

مجله اقتصادی

شماره‌های ۷ و ۸، مهر و آبان ۱۳۹۷، صفحات ۲۵-۵

## بررسی تطبیقی موضوع «محیط زیست» در مکاتب اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی

احمد چهرقانی

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه شهید چمران اهواز

ahmadchehrehghani@gmail.com

محیط زیست یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در برخی مکاتب اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. در سال‌های اخیر مسائل زیست‌محیطی اهمیت بیشتری در مجامع علمی و عمومی یافته است. لذا در این مقاله تلاش می‌شود تا موضوع محیط زیست و جایگاه آن در مکاتب اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق مقاله، روش توصیفی است. به این ترتیب که با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای، ابتدا به تشریح اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی پرداخته شده و سپس نگاه به محیط زیست در این دو مکتب بررسی می‌گردد. نتایج حاصل بیانگر آن است که موضوع محیط زیست که اخیراً در اقتصاد اخلاقی از آن صحبت می‌شود، قرن‌ها پیش در آموزه‌های اسلامی مورد ملاحظه و تأکید قرار گرفته است. بنابراین آموزه‌های اقتصاد اسلامی می‌تواند روشنگری‌های زیادی برای پیشبرد اقتصاد اخلاقی ارائه نماید.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اخلاق، محیط زیست، اقتصاد اسلامی، اقتصاد اخلاقی.

## ۱. مقدمه

در طول تاریخ عقاید اقتصادی موضوع «محیط زیست» و لزوم محافظت از آن، به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم به بعد مورد توجه اقتصاددانان مکاتب مختلف قرار گرفته است. به عنوان دو مورد از این مکاتب می‌توان از اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی نام برد که مباحث محیط زیست در آن مورد توجه قرار گرفته است. محیط زیست از موضوعات مهم مطرح شده در اقتصاد اخلاقی است و «اخلاق زیست محیطی» از مهم‌ترین موضوعاتی است که اقتصاددانان اخلاق‌گرا مانند آمارتیا سن<sup>۱</sup> و هایلبرونر<sup>۲</sup> در اهمیت آن قلم زده‌اند. اقتصاددانان اخلاق‌گرا فعالیت‌های اقتصادی بدون توجه به تبعات منفی زیست محیطی را مورد نقد قرار داده و نسبت به غفلت از این موضوع برای آینده محیط زیست جهان هشدار داده‌اند.

از سوی دیگر در اسلام نیز به نقش محیط زیست و لزوم حفاظت از آن توجه ویژه‌ای شده است. اقتصاد اسلامی نیز که اصول و مبانی آن برگرفته از دین اسلام است برای محیط زیست و نقش آن در اقتصاد اهمیت بسیاری قائل است. بر همین اساس در این مقاله تلاش می‌شود تا موضوع محیط زیست که در دهه‌های اخیر در اقتصاد اخلاقی مطرح شده است و قبل از آن در اقتصاد اسلامی نیز مورد بحث قرار گرفته بود، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

جهت واکاوی موضوع، مقاله حاضر مشتمل بر شش بخش است: بعد از مقدمه، پیشینه تحقیق شامل برخی از مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در ارتباط با موضوع مرور می‌گردد. در بخش سوم روش تحقیق بیان می‌شود. بخش چهارم به اقتصاد اخلاقی اختصاص دارد که شامل زیربخش محیط زیست در اقتصاد اخلاقی است. بخش پنجم به اقتصاد اسلامی و جایگاه محیط زیست در آن می‌پردازد. در نهایت در بخش آخر نتایج حاصل از تحقیق بیان می‌گردد.

## ۲. پیشینه تحقیق

در ارتباط با اقتصاد اسلامی و اقتصاد اخلاقی به طور جداگانه کارهای متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. اما در ارتباط با مطالعه تطبیقی نقش محیط زیست در اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی تاکنون پژوهشی در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه انجام نشده است. با این حال به

1. Amartya Kumar Sen

2. Heilbroner

برخی از تحقیقاتی که در هر کدام از این دو حوزه انجام شده است اشاره می‌شود. در زمینه اقتصاد اخلاقی در خارج از کشور کارهای متعددی صورت گرفته است.

میردال (۱۹۷۰) مطالعه اقتصاد و سیاست‌گذاری اقتصادی را بدون توجه به ارزش‌های اخلاقی افراد رد می‌کند. او معتقد است که هر جامعه‌ای ارزش‌های اخلاقی خاص خود را دارد که از لزوماً با فرهنگ و ارزش‌های جوامع غربی که نظریه‌های مرسوم اقتصادی در آنجا خلق شده‌اند یکسان نیست. دخالت دادن ارزش‌های اخلاقی موجود جامعه در یک کار پژوهشی ضعف آن کار تلقی نمی‌گردد، بلکه اگر محقق از همان ابتدای تحقیق و مطالعه درباره یک پدیده اجتماعی تمایلات ارزشی خود را تعیین و ابراز نماید، بسیار بهتر و واقعی‌تر می‌تواند نتیجه‌گیری کند تا زمانی که ارزش‌های اخلاقی را فی‌نفسه رد کرده و از دخالت دادن آن در تحلیل پدیده پرهیز نماید.

آمارتیا سن (۱۹۸۸) علم اقتصاد را دارای دو منشأ می‌داند، که اولی به اخلاق نظر داشته و دومی به مهندسی. وی سنت مرتبط با اخلاق آن را به برگرفته از آموزه‌های اندیشمندان یونان باستان از جمله ارسطو می‌داند و منشأ مهندسی به اقتصاد را نیز به اندیشمندانی چون ویلیام پتی (قرن هفدهم) و لئون والراس (قرن نوزدهم) نسبت می‌دهد. در رویکرد اخلاقی به اقتصاد، آن دسته از ملاحظات اخلاقی که در رفتار انسان‌ها مؤثر واقع می‌شوند ولی در آموزه‌های اقتصاد مدرن نادیده گرفته شده‌اند، مورد توجه قرار می‌گیرد. در رویکرد مهندسی هم که رویکرد مسلط در اقتصاد مدرن است «غایت‌ها نسبتاً بدون ابهام و به‌سادگی مفروض شده‌اند، و مسئله اصلی، یافتن وسیله‌ای است مناسب برای رسیدن به آن‌ها. رفتار انسانی مبتنی بر انگیزه‌هایی ساده فرض می‌شود که می‌توان آن‌ها را به آسانی تعریف کرد.» (سن، ۱۳۷۷: ۵).

گریفیتس و لوکاس<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) در کتاب خود با عنوان «اقتصاد اخلاقی» در سیزده فصل به بررسی مسائل اخلاقی مربوط به اقتصاد پرداخته‌اند. آن‌ها در فصل اول به اندیشه‌های اخلاقی آدام اسمیت تمرکز کرده و بیان می‌دارند اسمیت واقعی با آن اسمیتی که در علم اقتصاد مرسوم معرفی می‌گردد تفاوت دارد و اندیشه‌ها اخلاقی داشته است. فصول بعدی به شرکت‌ها، پول، تعهدات، اشتغال، عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان و همسایگان، اخلاق حرفه‌ای و ... اختصاص یافته است.

1. Griffiths and Lucas

جیمز آلوی<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) در مقاله خود با عنوان «مروری بر علم اقتصاد به عنوان علمی اخلاقی»<sup>۲</sup> به بررسی تاریخی رابطه اخلاق و اقتصاد پرداخته و بیان می‌کند که اقتصاد از ابتدا با اخلاق پیوند داشته است. او این پیوند را به یونان باستان و اندیشه‌های ارسطو نسبت می‌دهد. به عقیده آلوی علم اقتصاد تا زمان آدام اسمیت و تا پایان مکتب نئوکلاسیک علمی اخلاقی تلقی می‌شده است. نئوکلاسیک‌ها با تخصصی کردن علم اقتصاد زمینه ایجاد شکاف بین اخلاق و اقتصاد را مهیا نمودند.

یونگرت<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) با بررسی تاریخی تمایز بین اقتصاد اثباتی و هنجاری بیان می‌کند که اقتصاد از ابتدا علمی اخلاقی بوده است. او معتقد است که ارسطو اولین کسی بود که تمایز بین جنبه اثباتی و هنجاری را مطرح کرد. یونگرت پس از بررسی تاریخی تمایز هنجاری-اثباتی و تناقض ارزش-واقعیت چنین نتیجه می‌گیرد که تا اواخر قرن نوزدهم اقتصاد علمی اخلاقی قلمداد می‌شده است ولی در اوایل قرن بیستم با ورود لیونل رابینز به این عرصه و ارائه نظریاتش درباره عدم ارتباط بین اقتصاد هنجاری و اثباتی جدایی رسمی اقتصاد از اخلاق آغاز گشت.

جعفری صمیمی و چهارقانی (۲۰۱۱) به بررسی تاریخی رابطه اخلاق و اقتصاد در سیر اندیشه‌های اقتصادی از زمان ارسطو تا اواخر قرن بیستم پرداخته و علل گرایش مجدد اقتصاددانان به اخلاق در اقتصاد را ناکامی رویکرد مکانیکی به اقتصاد در حل مشکلات اقتصادی کشورها از یک سو و تأملات عمیق روش‌شناسی در علم اقتصاد از سوی دیگر، عنوان کرده‌اند.

کارهای داخلی که در زمینه اقتصاد اخلاقی صورت گرفته است نیز وجود دارد که در ادامه به چندی از آن‌ها اشاره می‌شود. مؤمنی (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «اخلاق توسعه به مثابه رشته علمی جدید» سعی در معرفی رشته اخلاق توسعه نموده و ضمن واکاوی ریشه‌های تاریخی جایگاه اخلاق در علم اقتصاد، به چشم‌انداز این دانش و چالش‌های روبه‌روی آن پرداخته است.

جعفری صمیمی و چهارقانی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «اقتصاد اخلاقی: بررسی رابطه اخلاق و اقتصاد در سیر اندیشه‌های اقتصادی و جایگاه آن در نظام آموزشی ایران» جایگاه تاریخی اخلاق در علم اقتصاد را مورد بررسی قرار داده و به تقسیم‌بندی این سیر تاریخی اقدام نموده‌اند.

1. James. E. Alvey

2. An introduction to economics as a moral science

3. Andrew M. Yuengert

جعفری صمیمی و چهرقانی (۱۳۹۱) در کتاب خود با عنوان «اقتصاد اخلاقی و سیر اندیشه‌های اقتصادی» به طور مفصل به بررسی رابطه اخلاق و اقتصاد در تاریخ عقاید اقتصادی، افکار و عقاید اخلاقی آدم اسمیت، جایگاه اخلاق در مکاتب اقتصادی مختلف، جایگاه اقتصاد اخلاقی در سیر اندیشه‌های اقتصادی و علل اهمیت یافتن اخلاق در اقتصاد در اواخر قرن بیستم و ورود به هزاره سوم پرداخته‌اند.

رحیمی بروجردی (۱۳۹۱) در کتاب خود با نام «اقتصاد اخلاقی» بیان می‌کند که در قرن اخیر، فرض می‌شود که «جریان اصلی» علم اقتصاد بدون در نظر گرفتن احکام و مسائل اخلاقی تبیین می‌شوند؛ یعنی، نگرشی که به‌طور کلی بیشتر حاصل موضع‌گیری‌های برخی از تحلیل‌گران قرن بیستم است. امروزه اما بسیاری از متفکران علم اقتصاد این ایده را برنتابیده و معتقدند که تکامل علم اقتصاد پس از آدم اسمیت به‌عنوان بخشی از فلسفه اخلاقی بوده است. بنابراین، ضرورتی ندارد که ادامه تکامل علم اقتصاد خارج از چنین نگرشی باشد و باید ردپای نظریه‌های اخلاقی را در نظریه‌های اقتصادی جستجو کرد. این کتاب در هشت فصل نوشته شده و زمینه‌های اخلاقی مختلف در اقتصاد را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در زمینه اقتصاد اسلامی نیز کارهای متعددی، در داخل و خارج از کشور انجام شده است که از جهات گوناگون به بررسی اصول و مبانی اقتصاد اسلامی، علم بودن یا نبودن آن، نحوه پیاده کردن آن، مقایسه موضوعات آن با آنچه که در نظام سرمایه‌داری مطرح است و غیره نموده‌اند که مهم‌ترین آن کتاب «اقتصاد ما» نوشته شهید محمدباقر صدر (۱۳۵۰) است. پس از ایشان بسیاری از اندیشمندان مسلمان در داخل و خارج در زمینه اقتصاد اسلامی قلم زده‌اند که هر کدام به نوعی به موضوع اقتصاد اسلامی پرداخته و در نوع خود حائز اهمیت هستند<sup>۱</sup>.

---

۱. در واقع عمده مقالاتی که در مجلاتی مانند اقتصاد اسلامی، معرفت اقتصادی، جستارهای اقتصادی و امثالهم چاپ شده‌اند را می‌توان در این دسته قرار داد که در اینجا به دلیل محدودیت در تعداد صفحات، نام بردن و توضیح هر یک از آنها نیست. مقالاتی که در همایش‌های اقتصاد اسلامی و سایر مجلات اقتصادی با موضوع اقتصاد اسلامی نگاشته شده‌اند را نیز در این دسته باید قرار داد که تعداد آنها خوشبختانه بسیار است.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق به کاررفته در مقاله حاضر روش توصیفی است. بدین ترتیب که محقق با گردآوری و مطالعه مطالب مرتبط با دو حوزه اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی، و مباحث مشترکی که در این دو حوزه وجود دارد تلاش نموده است تا به این سؤال پاسخ گوید که آیا از لحاظ توجه به بحث محیط زیست، بین اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی وجه اشتراکی وجود دارد یا نه؟ در واقع هدف از نگارش این مقاله بررسی موضوع بسیار مهم محیط زیست است که اخیراً در اقتصاد اخلاقی مطرح شده است و از سوی دیگر، در اقتصاد اسلامی نیز پیش از آن مطرح شده بود. مقاله از دو قسمت تشکیل شده است: اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی. در بخش اول ابتدا به تشریح مفهوم اقتصاد اخلاقی پرداخته شده و سپس به بررسی موضوع محیط زیست که در این رویکرد مورد توجه قرار گرفته است پرداخته می‌شود. در بخش دوم نیز ابتدا در آمدی بر اقتصاد اسلامی صورت گرفته و در ادامه جایگاه محیط زیست در اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۴-۱. اقتصاد اخلاقی

از دهه‌های پایانی قرن بیستم، اعتماد اقتصاددانان به رویکرد مهندسی و مکانیکی به اقتصاد در حل مشکلات اقتصادی کشورها رو به کاهش گذاشته است و نگرش فرامکانیکی به اقتصاد از جنبه‌های گوناگون در مجامع معتبر علمی دنیا به طور فزاینده‌ای گسترش یافته است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مذکور موضوع «اخلاق و اقتصاد» است که به طور جدی مورد توجه و تحلیل قرار گرفته است. تألیف تعداد فراوانی از کتاب‌ها و مقالات و برگزاری کنفرانس‌ها در این زمینه گواه بر این واقعیت است. از طرفی اهداء جایزه نوبل در سال ۱۹۹۸ به اقتصاددان برجسته هندی «آمارتیا سن» نویسنده کتاب «اخلاق و اقتصاد»<sup>۱</sup> و مدافع ضرورت توجه جدی به مبانی اخلاقی دانش اقتصاد و احیای اقتصاد اخلاقی<sup>۲</sup>، نشان‌دهنده آن است که فلسفه و اخلاق دوباره جان گرفته‌اند و در مناقشات اقتصادی میان‌داری می‌کنند؛ علم اقتصاد در معرض چالش‌های عقلی فلاسفه و علمای اخلاق قرار گرفته و زبان دقیق و نفوذناپذیر و ریاضی‌وار آن، در مقابل چالش‌های اخلاقی تازه، خود را نیازمند به کارگیری کلام و بیانی متفاوت می‌یابد. علاوه بر آن، بحران مالی جهانی که در طول سال‌های

1. On Ethics and Economics

2. Ethical Economics

۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ رخ داد، باعث شد که مبانی اخلاقی و دینی علم اقتصاد مورد توجه اقتصاددانان قرار گیرد؛ به طوری که برخی معتقدند که بحران اخیر ریشه‌های اخلاقی دارد (صمیمی و چهرقانی، ۱۳۹۱: ۱-۲). نشست‌ها و همایش‌های بسیاری به منظور بررسی موضوعاتی مثل نفع شخصی، حرص، نیرنگ و فضیلت، در نهادها و سیاست‌هایی که به هر طریق می‌توانستند به بیان صحیح این موارد کمک کنند یا مانع از آن شوند برگزار شد.<sup>۱</sup> موضوع رابطه اقتصاد با اخلاق و همچنین اقتصاد اخلاقی همچنان مورد توجه محافل علمی جهان بوده و به طور روزافزون تحقیقات و تألیفات درباره آن ادامه دارد.

بررسی تاریخی رابطه اخلاق و اقتصاد، پیامدهای اقتصاد جدای از اخلاق، و مباحث مربوط به اقتصاد اخلاقی در اواخر قرن بیستم موضوعیت یافته است. زمینه‌های ظهور ادبیات اقتصاد اخلاقی به اوایل این قرن بازمی‌گردد. مطالعات تاریخی در زمینه رابطه بین اخلاق و اقتصاد گویای آن است که اقتصاد از ابتدای پیدایش خود علمی اخلاقی بوده است و به عنوان زیرمجموعه‌ای از اخلاق محسوب و تدریس می‌شده است.<sup>۲</sup> به عنوان نمونه آمارتیا سن معتقد است که بین خصلت آگاهانه «غیر اخلاقی» اقتصاد جدید با منشأ تاریخی آن تقابل وجود دارد، به این صورت که اقتصاد جدید عمدتاً به مثابه یکی از شاخه‌های اخلاق پا گرفت. نه تنها آدام اسمیت که پدر علم اقتصاد است استاد فلسفه اخلاق در دانشگاه گلاسکو بود، بلکه رشته اقتصاد برای مدت‌های مدید به عنوان شعبه‌ای از اخلاق محسوب می‌شده است. او بیان می‌کند که تا همین اواخر نیز در دانشگاه‌های اروپا اقتصاد یکی از دروس کارشناسی در رشته «علوم اخلاقی» بود، تا اینکه رایبیز در سال ۱۹۳۰ با انتشار آثار و عقایدش موضعی را اتخاذ کرد که موجب کمرنگ شدن صفت اخلاقی اقتصاد شد، که این موضع امروزه مرسوم است، ولی قبل از او ابداً رایج نبود (سن، ۱۳۷۷: ۲). اقتصاد و اخلاق از ابتدا مرتبط با

۱. به عنوان مثال می‌توان به موضوع جلسات انجمن اقتصاد آمریکا (American Economic Association) و شماره‌های ویژه مجله اقتصاددان آمریکایی (The American Economist) در ارتباط با جنبه‌های مذهبی بحران مالی اشاره کرد. این‌ها فقط نمونه‌هایی از صدها مقاله منتشر شده و تفاسیر مذهبی آنلاین هستند که در ارتباط با بحران مالی جهانی صورت گرفته‌اند.

۲. برای مطالعه تاریخی رابطه اخلاق و اقتصاد در سیر اندیشه‌های اقتصادی، ر. ک: جعفری صمیمی، احمد و احمد چهرقانی؛ *اقتصاد اخلاقی و سیر اندیشه‌های اقتصادی*، فصل دوم: «مروری بر رابطه اخلاق و اقتصاد در سیر اندیشه‌های اقتصادی»، صفحات

هم بوده‌اند و تا پایان دوره کلاسیک‌ها اقتصاد علمی اخلاقی تلقی می‌شده است. در دوره نئوکلاسیک‌ها این پیوند کمرنگ‌تر شد و زمینه‌های ایجاد شکاف بین اخلاق و اقتصاد مهیا گشت، اما رسماً این شکاف اتفاق نیفتاد؛ تا اینکه در اوایل قرن بیستم که رویکرد اثبات‌گرایی بر دنیای علم اقتصاد سایه افکنده و روش‌های کمی و مدل‌های ریاضی صرف در علم اقتصاد بسیار شایع شده بود، شرایطی مهیا شد تا اقتصاد «لباس مهندسی» را بر تن کند.<sup>۱</sup> این جریان ابتدا در حوزه نظری و سپس در حوزه اجرایی ادامه یافت تا اینکه پیامدهای منفی آن از اواسط قرن بیستم به بعد نمایان شد. تلاش اقتصاددانان برای تجزیه و تحلیل علل ناکامی‌های علم اقتصاد در حل مشکلات اقتصادی جوامع (به‌ویژه کشورهای در حال توسعه) آنان را به واقعیت فقر اخلاقی اقتصاد مدرن آگاه ساخت. تا اینکه با چاپ کتاب *اخلاق و اقتصاد* آمارتیا سن جریان حمایت از پیوند اقتصاد و اخلاق سرعت گرفت و اقتصاددانان به طور روزافزون با تألیف کتاب‌ها و مقالات و برگزاری کنفرانس‌های مختلف اهمیت اقتصاد اخلاقی را به همگان گوشزد کردند (صمیمی و چهرقانی، ۲۰۱۱). با ورود به هزاره سوم میلادی و بروز بحران ۲۰۰۹ و بدتر شدن اوضاع اقتصادی کشورهای غربی، و سپس گسترش اعتراضات مردمی علیه وضعیت اقتصادی کشورهایشان و شکل‌گیری جنبش «اشغال‌وال‌استریت»<sup>۲</sup> در کشورهای غربی، لزوم توجه بیش از پیش به اخلاق و نقش آن در اقتصاد افزایش یافت. هم‌اکنون سخن گفتن از اقتصاد اخلاقی و تحلیل مسائل اقتصادی از دیدگاه اخلاقی، موضوع روز اقتصادی در مجامع علمی و اقتصادی کشورهای غربی است. از نظر نهادسازی و فرهنگ‌سازی به‌ویژه در دانشگاه‌ها، رشته اقتصاد اخلاقی کاملاً جدید و نوپاست. در حال حاضر اهمیت اقتصاد اخلاقی و نقش اخلاق در مسائل اقتصادی در دانشگاه‌ها و نهادهای علمی دنیا مورد پذیرش جدی قرار گرفته است. با این توضیحات، در ادامه تلاش می‌شود تا به معرفی اقتصاد اخلاقی یا اِتونومیکس<sup>۳</sup> و اصول اساسی آن پرداخته شود.

۱. مارک بلاگ (۱۹۹۸) در این باره می‌نویسد: «اقتصاد به صورت فزاینده‌ای به یک سرگرمی فکری تبدیل شده است که به صورت نظری بدون توجه به اثرات عملی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اقتصاددانان به مرور موضوع اقتصاد را به نوعی ریاضیات اجتماعی تبدیل می‌کنند که در آن قدرت تحلیل ریاضیات آن گونه که در دانشکده‌های ریاضی فهمیده می‌شود همه چیز است و مناسبت تجربی آن آن گونه که در دانشکده‌های فیزیک فهمیده می‌شود هیچ چیز نیست.» (یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

2. Occupy Wal Street  
3. Ethnonomics



اقتصاد اخلاقی از دو واژه اقتصاد و اخلاق تشکیل شده است که واژه اخلاق به عنوان صفت برای موصوف خود یعنی اقتصاد به کار رفته است. از این رو اگر بخواهیم خیلی ساده از اقتصاد اخلاقی سخن بگوییم چنین باید گفت: اقتصاد اخلاقی تفسیر و برداشتی از علم اقتصاد و موضوعات مورد مطالعه آن است که بعد اخلاقی را نیز برای تبیین بهتر و واقع بینانه تر سیستم اقتصادی (رفتار اقتصادی، تئوری های اقتصادی، سیاست گذاری ها و ...) در نظر می گیرد. آنچه که در مطالعه اقتصاد اخلاقی در متون و سایت های مختلف، از ابتدا و بیشتر از همه جلب توجه می کند نام «اتونومیکس» یا «Ethnomics» است. این اصطلاح از دو واژه اخلاق و اقتصاد مشتق شده است، به این صورت که «ات» یا «Eth» از ابتدای واژه اخلاق یا «Ethics» و «... ونومیکس» یا «onomics» از واژه اقتصاد یا «Economics» گرفته شده است. اتونومیکس برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ توسط دانش‌نت کافی<sup>۱</sup> مورد استفاده قرار گرفت. دانش‌نت کافی اداره دانشجویی کسب و کار اجتماعی واقع در محوطه تاریخی مدرسه سانتا باربارا<sup>۲</sup> است که به ارائه برنامه های شغلی منطقه ای می پردازد. برداشت این مرکز از مفهوم اتونومیکس، ترکیبی از دو مفهوم اخلاق و اقتصاد است. این مرکز از اینکه اتونومیکس را برای اولین بار به کار برده افتخار کرده و آن را به عنوان روشی برای کسب درآمد از طریق درگیر شدن در فعالیت های اخلاقی به کار برد<sup>۳</sup>. گرینبرگ<sup>۴</sup> نیز در سال ۲۰۰۹ از این واژه استفاده کرده و توضیح می دهد که اتونومیکس به اقتصاد اخلاقی اشاره دارد که در خلال نوآوری مجله «کمپانی فست»<sup>۵</sup> در زمینه بازاریابی مورد استفاده قرار گرفته است (صمیمی و چهارقانی، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۵).

اقتصاد اخلاقی به نقد اقتصاد متداول می پردازد و سعی دارد تا آن را اصلاح کند نه اینکه بخواهد به کلی آن را زیر سؤال برده و دستاوردهای آن را نادیده بگیرد. از این رو اقتصاد اخلاقی هم به رویکرد مکانیکی یا مهندسی اقتصاد می پردازد و هم به رویکرد اخلاقی آن. در واقع هدف طرفداران اقتصاد اخلاقی این است که جنبه های نظری و عملی اخلاقی را به اقتصاد برگردانند،

1. The Dons Net Café

2. Santa Barbara

۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به وبسایت این مرکز به آدرس <http://www.donsnetcafe.com>

4. Greenberg, 2009

5. Fast Company

طوری که هم اقتصاددانان در حوزه نظریه‌پردازی متغیر اخلاق را در نظریه‌های خود وارد کنند و هم سیاست‌گذاران اقتصادی با توجه به نظریه‌های اخلاقی اقتصاددانان، نقش اخلاق و ارزش‌های افراد جامعه را در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی و نظارت بر آن مورد توجه قرار دهند. با این توضیحات، در ادامه تلاش می‌شود تا به معرفی و بررسی برخی از موضوعاتی که در اقتصاد اخلاقی یا اتونومیکس مورد توجه قرار گرفته است پرداخته شود.

#### ۴-۱-۱. محیط زیست در اقتصاد اخلاقی

برای درک چگونگی تأثیرگذاری سوء اقتصاد مدرن بر محیط زیست لازم است که نگرش انسان اقتصادی در معنای کلاسیک و نئوکلاسیک آن در ارتباط با محیط زیست بررسی شود. اینکه گفته شد از لحاظ تاریخی در حوزه نظری تحولاتی رخ داد که اقتصاد از اخلاق جدا دانسته شد و سپس تأثیر خود را در حوزه عمل گذاشت، نیاز به بررسی نگرش اقتصاد مدرن در ارتباط با طبیعت و محیط زیست و نحوه استفاده انسان اقتصادی مدرن از آن دارد. اصل آزادی مطلق اقتصادی که در مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک مورد قبول بود در رویکرد اقتصادی مسلط قرن بیستم نیز ادامه یافت. از سوی دیگر اصل اصالت فرد نیز در بررسی دو مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک مورد توجه قرار گرفت. بر اساس این اصل اگر هر فرد جداگانه دنبال حداکثر نفع و رفاه خود باشد، به تبع جامعه نیز به رفاه دست خواهد یافت. بر اساس این اصل هسته و محور اصلی اجتماع، فرد است و اوست که از وجود حقیقی برخوردار است و اجتماع، به خودی خود فاقد وجود حقیقی است؛ زیرا چیزی جز مجموع تک‌تک افراد نیست، بنابراین وجود اعتباری دارد. از این رو فرد و منافعش بر جامعه و مصالحش اولویت دارد. علاوه بر این چون وجود فرد به لحاظ تاریخی هم مقدم بر اجتماع است، بنابراین حقوق و خواسته‌های او، به لحاظ اخلاقی، مقدم بر خواسته‌های جامعه است و بدین ترتیب مبانی فردی و سودجویی شخصی، جایگزین ارزش‌های اخلاقی می‌شود (نمازی، ۱۳۷۴: ۹۰).

یکی از مهم‌ترین عوامل بروز اثرات خارجی زیست‌محیطی و کاهش رفاه جامعه را می‌توان در ریشه‌های فلسفی و اخلاقی اقتصاد مدرن یافت. بر اساس مکتب اصالت فایده، تنها هدف و انگیزه زندگی، کوشش برای رسیدن به حداکثر بهره‌مندی و مطلوبیت است و بنابراین نمی‌توان فردی را که تنها به منافع خود می‌اندیشد و در برابر دیگران هیچ مسئولیتی احساس نمی‌کند را از بهره‌مندی حریصانه و آزمندانه منابع طبیعی و محیط زیست منصرف کرد. از سوی دیگر اگر قانونی برای مقابله

با چنین وضعی شکل گرفته باشد، او تا جایی که نتواند از چشم قانون پنهان شود، قوانین و مقررات را رعایت می‌کند، زیرا در غیر این صورت منافعی که به خطر می‌افتد. با چنین جهان‌بینی، راه هرگونه ایثار و انصاف و رعایت حقوق دیگران و ارزشمند دانستن محیط زیست بسته می‌شود، زیرا در این مکتب که مورد توجه رویکرد مهندسی به اقتصاد است، ارزش‌های ایدئال‌گرایی اخلاقی تنها وقتی به رسمیت شناخته می‌شوند که برای منافع فرد سودمند باشند (همان: ۲۵). به این ترتیب انسان اقتصادی با این طرز تفکر وارد جامعه شده و محیط زیست که نعمتی همگانی، نه تنها برای نسل فعلی بلکه برای نسل‌های آتی نیز هست را نیز به عنوان ابزاری برای حداکثر کردن نفع شخصی خود (نه در معنای اسمیتی آن<sup>۱</sup>) به کار می‌گیرد. به دنبال عملی کردن این طرز تفکر بود که در قرن بیستم پدیده بحران محیط زیست خود را نشان داد و از دغدغه‌های اصلی اقتصاددانان و دانشمندان محیط زیست شد. بسیاری از اقتصاددانان مدافع ارزش‌های اخلاقی از جمله سن و هایلبرونر<sup>۲</sup> آلودگی محیط زیست را ناشی از سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر رویکرد مهندسی می‌دانستند. اقتصاد اخلاقی تلاش برای دست یافتن به رشد اقتصادی بالاتر به قیمت تخریب محیط زیست را کاملاً مغایر با اخلاق می‌داند و به شدت با آن به مخالفت برمی‌خیزد (صمیمی و چهارقانی، ۱۳۹۱: ۱۳۲). برای حل مسائل زیست‌محیطی باید اخلاقیات و اصلاح نهادها را به طور توأم به کار گرفت و ادغام کرد، زیرا این هر دو در حل چالش محیط زیست مؤثرند و علاوه بر این باید بر ارتباط بین این دو نیز توجه کرد: ارزش‌ها و نهادها مستقل از یکدیگر نیستند. در این ارتباط می‌توان به راه‌حل ایجاد مالکیت خصوصی برای حفظ محیط زیست اشاره کرد. وضع حقوق مالکیت خصوصی که منابع طبیعی دارای مالکیت و منافع اختصاصی شده و در نتیجه اتلاف منابع و عدم کارایی که خود نتیجه مسائلی مثل سواری مجانی است رفع شود. یعنی تفکیک منابع طبیعی به مالکیت‌های خصوصی می‌تواند به مراقبت بهتر از محیط زیست منجر شود. البته بسیاری از منابع طبیعی قابل تبدیل به مالکیت خصوصی نیستند، مثلاً برای حفظ اتمسفر زمین و مقابله با گرم شدن جهان و حفظ لایه ازن این راه‌حل کاربرد ندارد. باید به پیامدهای ناخوشایند خصوصی‌سازی هم توجه کرد. در واقع برابری و

۱. چون مفهوم مورد نظر اسمیت از نفع شخصی با آنچه که بعد از او از این مقوله برداشت و تفسیر شد، کاملاً متفاوت بود. برای مطالعه بیشتر، ر. ک: جعفری صمیمی، احمد و احمد چهارقانی؛ اقتصاد اخلاقی و سیر اندیشه‌های اقتصادی، فصل سوم: «آدام اسمیت؛ اقتصاددان اخلاق‌گرا»، صفحات ۸۸-۵۱.

2. Heilbroner, R. (1950). What Goes Up the Chimney? Harper's.

سهیم بودن همه در استفاده از منابع مشترک طبیعی ریشه در یک منطق اجتماعی دارد. این موضوع با اخلاقیات کاملاً ارتباط دارد. در منابع طبیعی حس مشترک سهیم بودن، یک منبع انسانی بسیار ارزشمند در حفظ و نگهداری محیط زیست است. وقتی محاسبات خصوصی سازی جایگزین این نگاه و احساس می‌شود کارایی نیز از بین می‌رود. زیرا برخی از ارزش‌های همگانی که همکاری و حمایت متقابل را پشتیبانی می‌کنند تهی می‌شوند. حل مسائل محیط زیست نیازمند ترکیب رویکردهاست، اصلاح نهادی از یک سو و شکل‌دهی ارزش‌های همگانی از سوی دیگر برای حفظ محیط زیست به کار گرفته شوند. تمرکز صرف بر نهادها کافی نیست و از طرفی اگر تنها برای پایداری محیط زیست ندای اخلاق محیط زیستی را سر دهیم کافی نخواهد بود. ادغام اخلاق و نهادها در یک چارچوب جامع نیاز مبرم است (سن، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۴). در واقع حل بحران محیط زیست و جلوگیری از پیشروی آن که حاصل اجرایی شدن تئوری‌های اقتصاد مدرن در قالب پیگیری حداکثر سود و تأکید صرف بر معیار رشد اقتصادی برای پیشرفت کشورهاست، نیازمند نگاه دوباره اقتصاد به اخلاق، به‌ویژه در حوزه مسائل اقتصاد توسعه است.

اصل توجه به محیط زیست که در بالا بدان اشاره شد تنها یک مورد از اصول اقتصاد اخلاقی است که مورد توجه و بحث و بررسی اقتصاددانان اخلاق‌گرا قرار گرفته است.<sup>۱</sup> از آنجایی که اقتصاد اخلاقی عمر نسبتاً کوتاهی دارد و در ابتدای راه بوده و هنوز به مرحله بلوغ و تثبیت خود نرسیده است، در آینده باید منتظر بود که بسیاری از اصول دیگر نیز بدان اضافه شود. آنچه که بدیهی است این است که چشم‌انداز گرایش اقتصاددانان به اخلاق در مجامع معتبر علمی دنیا رو به افزایش است و بنابراین اقتصاد اخلاقی روز به روز مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نحوه کاربردی کردن آن که از مسائل مهم و البته دشوار اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی است مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱. برای مطالعه سایر اصولی که در اقتصاد اخلاقی مطرح شده است، ر.ک: جعفری صمیمی، احمد و احمد چهرقانی؛ اقتصاد اخلاقی و سیر اندیشه‌های اقتصادی، فصل پنجم: «جایگاه اقتصاد اخلاقی در سیر اندیشه‌های اقتصادی»، صفحات ۱۵۲-۱۲۵.

#### ۴-۲. اقتصاد اسلامی

همان گونه که اقتصاد اخلاقی با نام آمارتیا سن و کتاب *اخلاق و اقتصاد* او همراه است، اقتصاد اسلامی نیز با نام شهید محمدباقر صدر (ره) و کتاب *اقتصاد ما* شناخته شده است. ویژگی مشترک این دو نویسنده آن است که به طور علمی و بدون تعصب به بررسی اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند و این ویژگی موجب مقبولیت کار ایشان در بین اندیشمندان اقتصادی که در این دو حوزه مطالعه و تحقیق می‌کنند شده است. شهید صدر (ره) اولین گام اساسی را در زمینه مطالعات منسجم اقتصاد اسلامی برداشت و بدین ترتیب با نگارش کتاب *اقتصاد ما* میدان را برای انجام تحقیقات علمی بیشتر در این زمینه بازگشود، به طوری که پس از او نگارش کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات علمی درباره اقتصاد اسلامی و موضوعات مورد بحث در آن به طور روزافزون افزایش یافته است. در این قسمت به بررسی اقتصاد اسلامی و جایگاه محیط زیست در آن، که به نوعی در اقتصاد اخلاقی نیز مطرح شده است. پرداخته می‌شود.

اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای از قوانین، نظریات، نهادها و الگوهای مورد قبول شریعت اسلامی است که در رابطه با مسائل تولید، توزیع و مصرف بیان شده‌اند و در همه آن‌ها تأمین عدالت اجتماعی تعقیب می‌شود. به عبارت دیگر اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای از مباحث مکتب اقتصادی، نظام اقتصادی و علم اقتصاد است که با روش خاص خود و با توجه به فرهنگ، بینش و ارزش‌های اسلامی تنظیم و ارائه شده است (کرمی و پورمند، ۱۳۸۴: ۱۴ و ۱۷). بسیاری از موضوعاتی که در اقتصاد مدرن مورد بحث قرار گرفته‌اند، به نوعی در اقتصاد اسلامی نیز مطرح شده‌اند با این تفاوت که این نحوه نظریه‌پردازی و همچنین سیاست‌گذاری در حوزه موضوعات مذکور با توجه به قوانین اسلامی صورت گرفته است. اگر از اندازه و نحوه دخالت دولت در اقتصاد صحبت شده است، در اقتصاد اسلامی نیز این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. اگر از مالیات‌ها و نحوه اخذ آن در اقتصاد سخن به میان آمده است، در اقتصاد اسلامی نیز بحث مالیات‌های اسلامی مطرح شده است. سایر موضوعات مانند مالکیت، آزادی اقتصادی، توزیع درآمد، نظام مالی، سرمایه‌گذاری، مصرف و پس‌انداز، سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی نیز در اقتصاد اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. اما نکته‌ای که در این مقاله مورد نظر است، قدمت زمانی موضوعاتی است که در اقتصاد اسلامی مطرح شده و اخیراً در اقتصاد اخلاقی که درصدد اصلاح اقتصاد مدرن است نیز مورد توجه و بحث

قرار گرفته‌اند. در بخش گذشته به یک موضوع مهم اقتصاد اخلاقی یعنی محیط زیست اشاره شد. نکته‌ای که جالب توجه است اینکه این موضوع قرن‌ها پیش در دین مبین اسلام و اقتصاد اسلامی مورد بحث قرار گرفته بود ولی به دلیل رویگردانی انسان مدرن از اخلاقیات و ارزش‌های دینی که این خود از افراط و سوءاستفاده متولیان دین در قرون وسطی نشأت می‌گرفت، این موضوعات چندان مورد توجه واقع نشده بود. در ادامه تلاش می‌شود تا به بررسی این دو موضوع در اقتصاد اسلامی پرداخته شود.

#### ۴-۲-۱. محیط زیست در اقتصاد اسلامی

از مجموع احکام و روایات اسلامی که در زمینه‌های مختلف حیات و زندگی بشر در قرآن و روایات مطرح شده است می‌توان به این حقیقت دست یافت که اسلام در صدد ساختن محیط زیست مناسبی برای بشر است؛ زیرا مقررات فردی و اجتماعی اسلام در بخش اعتقادی، اخلاقی و اقتصادی در جهت تشکیل محیط زیست برتر، آرام، مطمئن، امن و همراه با رشد و توسعه برای انسان‌هاست (همان، ۱۳۸۴: ۱۳۸). در ادامه به برخی از روایاتی که در اسلام از پیشوایان دینی در ارتباط با لزوم احترام و توجه به محیط زیست آمده است اشاره می‌شود.

روایاتی از پیامبر اکرم (ص) است که می‌فرماید: «از زمین حفاظت کنید زیرا زمین مادر شماس است»؛<sup>۱</sup> «در جنگ با دشمن نخل‌ها را آتش نزنید و به نخلستان‌ها آب نبندید که غرق شوند و هیچ درختی را قطع نکنید و زراعت را نیز آتش نزنید».<sup>۲</sup> در روایاتی دیگر از حضرت علی (ع) است که فرمود: «شما حتی در برابر زمین‌ها و حیوانات مسئول هستید».<sup>۳</sup> همچنین ایشان در توصیه به استانداردهای مصر فرمودند: «باید به عمران و آبادی زمین بیش از دریافت مالیات توجه کنی؛ زیرا تنها راه دستیابی به مالیات زمین، عمران و آبادانی آن است و حکومتی که بدون کار عمرانی بر روی زمین به اخذ مالیات می‌پردازد در واقع به تخریب کشور و تباهی ملت پرداخته و کار حکومتش جز اندکی دوام نخواهد یافت».<sup>۴</sup> امام صادق (ع) می‌فرماید: «ای مردم! مبادا درختان میوه را قطع کنید که

۱. بحار الانوار، جلد ۷، صفحه ۹۷.

۲. جواهر الکلام، جلد ۲۱، صفحه ۶۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

خداوند عذابش را بر شما نازل می‌کند»<sup>۱</sup>؛ «زراعت کنید، درخت بکارید، به خدا سوگند در بین کارهای مردم کاری بهتر و حلال‌تر از آن وجود ندارد»<sup>۲</sup>. روایاتی از این دست در دین اسلام بسیار فراوان است که مجال بیان آن‌ها در این نوشتار مهیا نیست. اما آنچه که از این قطرات برگرفته از دریای بیکران تعالیم اسلامی باید گفت این است که اسلام برای محیط زیست احترام و توجه بسیاری قائل است و همگان را در حفظ آن مسئول می‌داند. همچنین برخی قواعد فقهی که در اقتصاد نیز کاربرد دارند مانند قاعده لاضرر که بر اساس آن هرگونه ضرر و زیان رساندن به دیگران به واسطه انجام فعالیت‌های اقتصادی (یا غیراقتصادی) در اسلام رد شده است، انسان را از وارد آوردن زیان به محیط زیست که متعلق به همگان است بر حذر می‌دارد. از این رو افراد یا بنگاه‌ها نباید خودسرانه و بدون توجه به حقوق دیگران و نظافت محیط زیست به فعالیت‌های اقتصادی خود بپردازند.

خداوند در قرآن بهره‌برداری از زمین و هر چه در آن است را به همه انسان‌ها در همه زمان‌ها متعلق دانسته است.<sup>۳</sup> به این معنی که همه انسان‌ها نسبت به منابع طبیعی حقوقی دارند و نسل حاضر نمی‌تواند از منابع طبیعی به اندازه یا نحوی استفاده کند که موجب ضایع شدن حق دیگران گردد. بنابراین تک‌تک افراد نسل کنونی نسبت به بهره‌برداری منصفانه و عادلانه از منابع طبیعی و محیط زیست متعهد هستند و در قبال نسل‌های آینده مسئولیت دارند. در اقتصاد اسلامی، دولت موظف است زمینه ایجاد عدالت بین نسلی به معنای عدالت در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست بین نسل حاضر و نسل‌های آینده را فراهم کند تا امکان استیفای حقوق توسط صاحبان حق یعنی آیندگان فراهم آید. اسلام برای موجودات زنده غیر انسان و حتی موجودات غیرزنده‌ای مانند رودخانه و نهرها نیز حقوقی را در نظر گرفته است که انسان‌ها موظف به رعایت آن‌ها هستند. آموزه‌های اسلامی در ارتباط با رعایت حقوق دیگران یا همان حق الناس، انسان باایمان را ترغیب می‌نماید تا در استفاده از محیط زیست حقوق دیگران را نیز مدنظر قرار داده تا مبادا به واسطه انجام فعالیت‌های اقتصادی خود، موجب وارد آوردن زیان به دیگران گردد. از سوی دیگر اگر افراد یا

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۳، صفحه ۱۹۸.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۱۳، صفحه ۱۹۳.

۳. آیه ۱۰ سوره الرحمن.

بناگاه‌هایی در مسیر رسیدن به اهداف اقتصادی خود، زمینه‌های آلودگی محیط زیست و ضایع نمودن حقوق دیگر شهروندان- که بنا بر تعالیم اسلامی در محیط زیست حق دارند- را فراهم نمایند، دولت اسلامی موظف است که بر اساس قاعده لاضرر با این افراد یا بناگاه‌ها برخورد نماید (توحیدی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۲). بنابراین موضوع توجه به محیط زیست قرن‌ها قبل در آموزه‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفته بود، در حالی که اقتصاد مدرن چند دهه بیشتر نیست که به این واقعیت رسیده است که همگان باید در حفظ و نگهداری محیط زیست کوشا باشند و پیگیری نفع شخصی توسط افراد یا بناگاه‌ها لزوماً به رفاه جمعی نمی‌انجامد و نمونه آن بروز بحران محیط زیست در اواسط قرن بیستم بود. لازم به ذکر است که اسلام راهکارهایی را نیز برای حفاظت از محیط زیست عنوان کرده است که عمل به آن‌ها تا حد زیادی می‌تواند در کاهش اختلالات زیست‌محیطی که نسل کنونی (و نسل آینده) با آن روبه‌روست مؤثر واقع شود که در ادامه به طور خلاصه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲-۲. راهکارهای اسلامی در حفاظت از محیط زیست

- توصیه بر حفظ و نگهداری محیط زیست: در منابع اسلامی زمین به مادری مهربان تشبیه شده است که منبع تمامی خیرات و برکات است. بنابراین به این مادر مهربان باید ابراز محبت کرد و در مواظبت و محترم شمردن او نهایت تلاش را انجام داد. بنابراین اولین الگوی رفتاری انسان با طبیعت ابراز محبت به آن است که موجب حفاظت و نگهداری آن از سویی و سبب رونق یافتن محیط زیست از سوی دیگر می‌گردد.
- تأکید بر عدم تخریب: در قوانین اسلامی نسبت به قطع درختان به‌ویژه درختانی که میوه می‌دهند، حساسیت خاصی نشان داده شده است. همان‌طور که گفته شد پیامبر اکرم (ص) نظامیان را از وارد آوردن ضرر و زیان به دشمن به واسطه صدمه زدن به طبیعت بر حذر داشته است. از روایات پیشوایان دینی چنین برداشت می‌شود که هر کاری که موجب تخریب و برهم خوردن توازن و تعادل محیط زیست باشد ممنوع است؛ تا جایی که حضرت علی (ع)

۱. لازم به ذکر است که بخش عمده این قسمت یعنی راهکارهای اسلامی در حفاظت از محیط زیست از این منبع اقتباس شده است: کرمی، محمد مهدی و محمد پورمند؛ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، فصل پنجم: اقتصاد منابع طبیعی و محیط زیست، صفحات ۱۴۲ تا ۱۴۵.



خودداری از بریدن درختان تر و نارس را به جز در مواقع ضرورت مایه افزایش عمر انسان دانسته است.<sup>۱</sup>

- توصیه به عمران و آبادانی: اسلام انسان را به عمران و آبادانی زمین مکلف ساخته و بی توجهی به آب و خاک را موجب دوری انسان از برکات الهی دانسته است. روایات اسلامی کشاورزی و درختکاری را بهترین و حلال ترین کار دانسته و کشاورزان را گنج ها و ذخایر ارزشمند جامعه معرفی کرده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «هر که درخت مثمر یا غیرمثمری را آبیاری کند پاداش کسی را دارد که مؤمن تشنه ای را سیراب کرده باشد».<sup>۲</sup>

- همگانی کردن مسئولیت: همان طور که گفته شد اسلام حفظ سلامت محیط زیست طبیعی را مسئولیت همگانی دانسته است. برخی از روایات با تعمیم مسئولیت های انسان مسلمان، او را در قبال طبیعت و حیوانات مسئول دانسته است و در برخی دیگر با سهیم ساختن آنان در منافع منابع طبیعی مانند آب، سوخت، مرتع طرح حفاظت از محیط زیست را به اجرا گذاشته است و بدین ترتیب از هر نوع رابطه غیرمسئولانه با محیط زیست جلوگیری به عمل آورده است.

- مسئولیت دولت در زمینه حفاظت: همان طور که گفته شد در صورتی که برخی افراد یا بنگاه ها در جریان فعالیت های اقتصادی خود، سلامت محیط زیست را خطر اندازند دولت اسلامی موظف است تا با آنان برخورد نماید. در واقع در مرحله اول همگان در قالب توصیه های اخلاقی به حفاظت از محیط زیست دعوت شده اند و در مرحله بعد دولت با تدوین قوانین و اجرای آن ها در زمینه محیط زیست، از اعمال و رفتارهایی که موجب تخریب و آلودگی محیط زیست می شوند جلوگیری به عمل می آورد.

ملاحظه می شود که محیط زیست و توجه به حفظ و نگهداری آن در تعالیم دین مبین اسلام از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که انسان را در برابر کوچک ترین اجزای آن مسئول می داند. از آنجایی که اقتصاد اسلامی نیز نظریه ها و رهنمودهای خود را از دین مبین اسلام دریافت می کند، تمامی این موارد در نظریه پردازی در اقتصاد محیط زیست با رویکرد اسلامی ملحوظ می شود. در حالی که اقتصاد مدرن که با زیر سلطه واقع شدن در چنبره قدرت رویکرد پوزیتیویست در قرن

۱. بحارالانوار، جلد ۷۶، صفحه ۳۱۹.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۲۵.

بیستم، الگوی کسب حداکثر سود و رسیدن به حداکثر رشد اقتصادی، حتی به قیمت نابودی محیط زیست را در پیش گرفت و اکنون پس از سال‌ها با یک علامت سؤال بزرگ روبه‌رو شده است و خود را در برابر چالش‌های اخلاقی مطرح‌شده در رویکرد اقتصاد اخلاقی به‌ویژه اخلاق محیط زیست، دریافته است. مسائل اخلاقی در اقتصاد و لزوم توجه به آن در حوزه نظری و عملی به‌طور روزافزون در حال گسترش است. اما نکته مهم این است که این اصول اخلاقی به‌ظاهر تازه، قرن‌ها پیش در اقتصاد اسلامی مطرح شده است. بنابراین آموزه‌های اقتصاد اسلامی می‌تواند در مسیر گره زدن آموزه‌های اقتصادی با اخلاقیات، چراغ راه روشنی برای اقتصاد اخلاقی باشد. بنابراین لازم است که اندیشمندان اقتصاد اسلامی از فرصتی که هم‌اکنون به دست آمده است، نهایت استفاده را نموده و با ترویج و گسترش علمی و منطقی اصول اخلاقی دین مبین اسلام و اقتصاد اسلامی، راه را برای اخلاقی شدن اقتصاد و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی دنیای کنونی بردارند. از آنجایی که گوهر اخلاق همواره در بین ایرانیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و است، طوری که حتی در بسیاری موارد، آموزه‌های اقتصاد مدرن نیز هنوز نتوانسته است صفاتی مانند مهمان‌نوازی، نوع‌دوستی و خونگرمی و ... را در فرهنگ ایرانی - اسلامی مردم ایران کمرنگ نماید، لازم است که اقتصاددانان مسلمان ایران در زمینه ترویج و گسترش اصول اخلاقی اقتصاد اسلامی هم‌راستا و بلکه جلوتر و کوشاتر از اقتصاددانان سایر کشورهای مسلمان قدم بردارند.

## ۵. نتیجه‌گیری

با مطالعه منابع تاریخی موجود در زمینه سیر اندیشه‌های اقتصادی این واقعیت پدیدار گشته است که اقتصاد از ابتدای پیدایش خود علمی اخلاقی بوده است و به عنوان زیرمجموعه اخلاق قلمداد و تدریس می‌شده است. اما با گذشت زمان، بین این دو حوزه از علم فاصله ایجاد شده است که به تعبیر آمارتیا سن، این فاصله موجب فقر اخلاقی اقتصاد مدرن شده است. به دنبال بروز پیامدهای ناگوار اقتصادی و اجتماعی در کشورهای مختلف به واسطه عملی نمودن تئوری‌های اقتصادی تحت سیطره رویکرد پوزیتیویست به اقتصاد، از اواخر قرن بیستم توجه اقتصاددانان به اخلاق و اقتصاد اخلاقی به‌طور فزاینده افزایش یافته است، طوری که با ورود به هزاره سوم میلادی و ادامه یافتن بحران‌های اقتصادی به‌ویژه بحران محیط زیست، آلودگی زمین و گرم شدن هوا در قرن بیستم، اخلاق زیست‌محیطی از مهم‌ترین موضوعات روز دنیا به‌ویژه در مجامع علمی کشورهای پیشرفته

است. در این مقاله تلاش شد تا به بررسی موضوع محیط زیست در دو حوزه اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی پرداخته شود. بحث محیط زیست که از اواسط قرن بیستم توجه اقتصاددانان و سایر اندیشمندان را که به نوعی درگیر این مسائل هستند را به خود جلب نموده است، از مهم‌ترین موضوعاتی است که در اقتصاد اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است. اقتصاد اخلاقی برای حل بحران محیط زیست که در قرن بیستم گریبان‌گیر کشورها شده است، راه‌حل توجه به اخلاق و اعمال نقش آن در سیاست‌گذاری‌های توسعه را پیشنهاد می‌کند. هرچند که در برخی مکاتب نیز از لزوم توجه به محیط زیست سخن گفته شده بود ولی این موضوع به طور جدی از اواخر قرن بیستم مورد بحث و بررسی اقتصاددانان قرار گرفته است. در حالی که قرن‌ها پیش از آن، آموزه‌های دین مبین اسلام لزوم توجه به محیط زیست را گوشزد نموده و انسان‌ها را به حفظ و نگهداری آن دعوت نموده است و در این راستا راهکارهایی را نیز ارائه نموده است بنابراین در پاسخ به سؤال تحقیق که گفته شد: آیا از لحاظ توجه به محیط زیست بین اقتصاد اخلاقی و اقتصاد اسلامی وجه اشتراکی وجود دارد؟ گفته می‌شود که با توجه به آنچه که در این مقاله گفته شد، این دو حوزه در رویکرد خود به محیط زیست دارای وجه اشتراک می‌باشند و مباحث اخلاق زیست‌محیطی که اخیراً در اقتصاد اخلاقی مطرح شده‌اند قرن‌ها پیش در آموزه‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفته و از آنجایی که نظریه‌های اقتصاد اسلامی برگرفته از احکام شریعت اسلام است، موضوعات اخلاقی محیط زیستی مورد اشاره در این مقاله، در نظریه‌های اقتصاد اسلامی نیز لحاظ شده است. بنابراین با توجه به اینکه اخلاق زیست‌محیطی مطرح شده در اقتصاد اخلاقی، هم به لحاظ زمانی، زودتر و هم از لحاظ وسعت، به طور گسترده‌تر و با جزئیات بیشتر در اقتصاد اسلامی نیز مطرح شده است، آموزه‌های اقتصاد اسلامی می‌تواند اقتصاد اخلاقی را در فرایند پیوند دادن مسائل اقتصادی با موضوعات اخلاقی، به‌ویژه در زمینه اخلاق محیط زیست یاری نماید و در این راه چراغ روشنگری برای اقتصاد اخلاقی باشد.

## منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: دارالقران الکریم و دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. چاپ اول. ۱۳۷۳.
- توحیدی نیا، ابوالقاسم (۱۳۸۳). «اخلاق اقتصاد و محیط زیست». *جستارهای اقتصادی*. شماره دوم. صص ۱۷۶-۱۵۷.
- جعفری صمیمی، احمد و احمد چهرقانی (۱۳۹۰). «اقتصاد اخلاقی: بررسی رابطه اخلاق و اقتصاد در سیر اندیشه‌های اقتصادی و جایگاه آن در نظام آموزشی ایران». سلسله مقالات دومین همایش ملی دانشجویی اقتصاد ایران. دانشگاه مازندران - بابلسر.
- جعفری صمیمی، احمد و احمد چهرقانی (۱۳۹۱). *اقتصاد اخلاقی و سیر اندیشه‌های اقتصادی*. تهران: نشر نور علم. چاپ اول.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳ قمری). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۹۱). *اقتصاد اخلاقی*. چاپ اول. تهران: نشر نور علم.
- رضی، سیدمحمد بن احمد حسنی (۱۳۷۶). *نهج البلاغه*. ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ یازدهم.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۶). «نیاز اقتصاد به ارزش‌های اخلاقی». ترجمه احمد میدری. *فصلنامه دین و اقتصاد*. شماره پنجم و ششم. صص ۲۰-۱۱.
- سن، آمارتیا (۱۳۷۷). *اخلاق و اقتصاد*. ترجمه حسن فشارکی. تهران: شیرازه. چاپ اول.
- کرمی، محمد مهدی و محمد پورمند (۱۳۸۴). *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ ششم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۳ قمری). *بحار الانوار*. بیروت: دارالاضواء.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۵). «اخلاق توسعه به مثابه رشته علمی جدید». *فصلنامه دین و اقتصاد*. شماره دوم. صص ۲۱-۶.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جوهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- نمازی، حسین (۱۳۷۴). *نظام‌های اقتصادی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. چاپ اول.
- یوسفی، محمدقلی (۱۳۸۷). «برداشت‌های نادرست از علم اقتصاد». *اقتصاد و جامعه*. شماره پانزدهم و شانزدهم. صص ۱۹۶-۱۳۷.
- Alvey, J. E. (1999). "An Introduction to Economics as a Moral Science", [http://www.independent.org/pdf/working\\_papers/15\\_introduction.pdf](http://www.independent.org/pdf/working_papers/15_introduction.pdf)
- Griffiths, M. R. and J. R. Lucas (1996), *Ethical Economics*, London: Macmillan.
- Heilbroner, R. (1950), *What Goes Up the Chimney?* Harper's. <http://www.donsnetcafe.com>
- Jafari, S. A. & Chehrehgani, A. (2011), "Ethonomics and the History of Economic Thought", *Journal of social and development sciences*, Vol. 2, No.5, pp. 223-232.
- Myrdal, G. (1970), *Objectivity in Social Research*, London: Duckworth.
- Smith, A. (1976a/1759), *The Theory of Moral Sentiments*, Ed. D.D. Raphael and A.L. Macfie, Oxford: Oxford University Press.
- Smith, A. (1976b/1776). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*. 2 vols. Ed. R. H. Campbell and A. S. Skinner. Oxford: Oxford University Press.
- Yuengert, A. M. (2000), "The Positive-Normative Distinction before the Fact-Value Distinction", *Association of Christian Economists Working Paper*. Retrieved from <http://www.gordon.edu/ace/ACEwpsList.html>